برین مرد یعنی محمد صلعم و یاران مهاجر او نفقه میکنند که اندک زمانی را فرو مانده و محتاج گردیده مال کار شما و ایشان معلوم نیست که بکجا خواهد رسید
حق سبحانه از حال ایشان خبر داد که با وجود تجلی که لازم ذات ایشانست دیگران را نیز بتجمل میفرماید وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ و میپوشند از خلق آنچه خدای
بایشان داده مِنْ فَضْلِهِ از نعمت خویش یعنی توانگری خود را از بیم انفاق پنهان میدارند در کشاف آورده که خدای تعالی ایشان را بکتمان
نعمت نشانه کفران منعم است و در حدیث آمده که حق سبحانه دوست دارد که اثر نعم او بر بنده او ببینند و در حکایات آمده که یکی از عمال
رشید در بنا بر منظر او قصری شنید بنا کرده و موضعی رفیع بازاء بارگاه منیع او احداث نمود اعادی مجال وقیعت یافته این صورت را از روی غمز
و غیبت بخلیفه باز گفتند رشید از وی سبب تأسیس این بنا در مقابله قصر خود پرسید عامل جواب داد که صفت کریمان آنست که از مشاهده آثار نعمت
خود مسرور و مبتهج گردند غرض من ازین عمارت که بواسطه فوز عنایت و حمایت ملازمان ستوده خلافت باتمام رسیده آنست که هرگاه خلیفه از
بام قصر نظر بروی افکند و اثر نعم کرم خود مشاهده کند فرحان و مسرور گردد خلیفه را این سخن مقبول افتاد و از سر آن باز خاست گذشته
او را بخلعت خاص سرافراز گردانید و میشاید که مراد از فضل بیان نعمت و صفت حضرت باشد که حق تعالی در توریت بایشان عطا کرده بود
و آن ممتان از روی حسد و بخل از سفله عوام خود میپوشند فقه ابو اللیث آورده که بخیل ترین مردمان آنست که بعلم خود بخیلی کند و از منبع دانش
قطره بکام مستحقان نرساند ع و من المستوجبین فقد ظلم بیت نیافت فایده از علم آنکه پنهان داشت : فزود دانش آنکس که آشکارا کرد
ز گنج علم بیضی بسایلان برسان : میپوشش آنکه خداوند بر تو پیدا کرد وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ و آماده کردیم برای یهود که عطای الهی میپوشند عَذَابًا
مُهِينًا عذابی خوار کننده که عذاب دوزخ است وَالَّذِينَ و برای آنان نیز که بر عداوت حضرت رسول صلعم يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ نفقه میکنند
مالهای خود را رِئَاءَ النَّاسِ برای دیدن مردمان و ملاحظه ناموس اظهار مفاخرت و مباهات و اینان مشرکان مکه بودند که بدستی پیغمبر
لشکرها جمع میکردند و مال خود بر ایشان نفقه مینمودند با منافقان که انفاق ایشان مبتنی بر ریا و سمعه بود و در صفت یهود میگوید که نفقه میکنند بر
بر قوم خود از جهت اغراض و اعواض وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ و نمی گروند بحقیقت بوحدانیت و عالمیت خدای وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ و نه بروز قیامت
که آخر همه روزهاست چه اگر کسی ایمان داد و با آنکه خدای عرض او را در انفاق و مناسب آن روز قیامت جزا باو میرساند هر آینه عمل از روی اخلاص
کند و خود را از قید ریا و سایر غرضها و نفسانی خلاص دهد وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ و هر که باشد دیو سرکش یعنی ابلیس و اعوان و اخلاص و جاحدی وَلَهُ قَرِينًا
مر او را یاد و انباز و الیف و دمساز که بمثل این عمل وسوسه کند و ریا و اسراف را در چشم او زینت دهد فَسَاءَ قَرِينًا پس بد مقارنی و معاونی
که اوست در دنیا و هر آینه در آخرت نیز با او خواهد قال الله تعالی بیت هر که اینجا یک قرین تو اوست : آن سزا نیز همنشین تو اوست
دوستی جو که جان بیفزاید : در دو عالم ترا بکار آید : ای عزیز اگر انسان معلوم کند که کدام عمل مستحق ثوابست و بسبب کدام فعل در خور نکال
و عذاب هر آینه آنرا که موجب حصول درجاتست ارتکاب خواهد نمود و از آنچه سبب حلول در دکارتست مجتنب و محترز خواهد بود پس
حق تعالی بطریق سرزنش و ملامت با کافران که وسایل منفعت خود نمیدانند و اسباب فواید عاجل و آجل خود را بر طریق نهاده چیزها را
بخلاف واقع معتقد اند میگوید وَمَاذَا عَلَيْهِمْ و چه چیز بودی مر کافران را و چه زیان داشتی مر ایشان را و چه تبعه و وبال دست دادی وَآمَنُوا
بِاللَّهِ اگر ایمان آوردندی بخدای و او را یگانه دانستندی وَالْيَوْمِ الْآخِرِ و بگرویدندی بروز قیامت و جزای اعمال را تصدیق کردندی وَأَنْفَقُوا

و بیرون کردندی حق خدای را مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ از آنچه داده است خدای بر ایشان حق سبحانه درین کلمات تحریص مینماید بر فکر از برای طلب
جواب تا تأمل نموده بدانند که در ایمان فواید جلیله و عواید جمیله بسیار و بیشمار است و تنبیه میکند بر آنکه چون کسی را بکاری دعوت کنند که در آن ضرری
نباشد باید که اجابت تکلیف که متضمن نفع نیز بود و حقیقت این سخن ترغیب است بایمان خالص که در آن لوازم آنرا فرو میگذاشتند و نظر
در کان حضرت پیغمبر صلعم که در آن شک داشتند و اخلاص انفاق چه دیده همت در آن بر آیات و غرضها میگماشتند وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ و هست خدای
بر ایشان و اقوال و احوال ایشان عَلِيمًا و میداند که از عناد و مکابره نمیکردند و نفقه بر سبیل ریا میکنند و اگر ایشان را ایمان و اخلاص بودی
هر آینه استیفاء تمام مزد کردندی و در مزد تمام ایشان هیچ قصوری نبودی زیرا که صدور ستم و بیداد از حضرت رب العباد نیست
إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ بدرستی که خدای بیداد نکند مِثْقَالَ ذَرَّةٍ هم سنگ ذره در وزن و ذره مورچه سرخ باشد که از غایت صغر بی تعمق
نظر بر نگرنده ظاهر نشود و از ابن عباس رضه مرویست که دست خود بمیان خاک در آورد و گرد آلوده بیرون کرد و نفس دان دمید و گفت
هر یک ازین عباد ما متفرق ذره ایست و اشهر آنست که ذره آن باشد که بشعاع آفتاب که از روزنه در افتد در هوا ظاهر گردد و آنرا چندان
وزنی نباشد و گویند ذره خیر دله است و آن دانه ایست در نهایت خوردی و حقیقت این سخن مبالغه است در نفی ظلم یعنی هر چند عمل خورد
و بیمقدار باشد فرو گذاشته نخواهد شد و گفته اند نه از ثواب معین هر سبک ذره کم خواهد بود و نه بر عقابی که مقرر شده بوزن ذره خواهد افزود
اصح آنست که در عمل کافر و منافق بمقدار ذره ظلم واقع نشود وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً و اگر باشد مثقال ذره نیکی در دیوان بنده مؤمن يُضَاعِفْهَا ثواب آنرا
افزوده گرداند تو بر تو یعنی زیاده بر قدر عمل ثواب دهد قولی آنست که این آیه در شان خصمانست و در معالم آورده که عبد الله مسعود رضه گفته که چون
روز قیامت در آید و خلایق در مجمع عرصات مجتمع گردند منادی عدل ندا کند که ای معشر بشر هر کرا در ذمت کسی حقی در گردن شخصی مظلمه هست گویا
حق خود را گیرد و خود بستان که در محکمه قیامت حکم براستی میرود و در ترازوی عدالت بمقدار ذره جنایت واقع نمیشود بیت نه ظالم را
روی رستگاری : نه بر مظلوم بیداد است خواری : نه کاری از حمایت میرود پیش : که یکسانند اینجا شاه و درویش : اهل محشر بگفت و گوی
در آیند و بجست و جوی مظالم خویش اشتغال نمایند و در اثنای این احوال بنده را بیارا بیارند و در موقف عرض برای مظالم باز دارند و منادی
علی رؤس الاشهاد گوید که این فلان بن فلانست هر کرا بر وجهی ثابت است باید که بیاید و حق خود را از و طلب نماید خصمان جمع شوند خطاب
رسد که حقوق ایشان را ادا کن و ذمت خود را از مظلمه مردمان پاک گردان آن بیچاره الهی مال و متاع دنیا با من نیست بکدام نقد معامله
بر گذارم و بچه سرمایه خشنودی ایشان حاصل کنم حق سبحانه با ملیکه گوید که اعمال صالحه او را بارباب مظالم دهید تا از و غدقه مظلمه ایشان باز رهد ملیکه
تمام اعمال خیر او را بر خصوم قسمت کنند و مقدار ذره حسنه با او باقی ماند فرشتگان گویند الهی این بنده را از عملهای خیر مثقال ذره
بیش نمانده تا مال حال او بکجا رسد خطاب الهی آید که ضعفوها لعبدی آنقدر حسنه را برای بنده من مضاعف سازید و او را بفضل و رحمت من
بهشت در آرید و مصداق این قول ملک علامست که وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا و این مضاعفه بشارت فاسقست که حق سبحانه باین
وقت ارزانی فرموده پس تأویل آیه بدین قول آنست که خدای ظلم نکند مثقال ذره در مظالم بلکه فرا گیرد آنرا بجهت مظلوم از ظالم و بیدا نماید در مثقال
ذره که باقی مانده برای مؤمن بلکه آنرا برای کثرت ثواب از مضاعف سازد وَيُؤْتِ و بدهد او را زاید بر ثواب عمل مِنْ لَدُنْهُ از نزدیک

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)